

رابطه بین خلق و خو و مشکلات برونی سازی در کودکان: نقش تعدیل گر ظرفیت تأملی والدینی

The Relationship between Child Temperament and Externalizing Problems in Children: The Moderating Role of Parental Reflective Functioning

Maedeh Parastar
MA. in Family Clinical Psychology
University of Science and Culture

Samaneh Behzadpoor, PhD
University of Science and Culture

سمانه بهزادپور*
استادیار گروه روان شناسی،
دانشگاه علم و فرهنگ

مأنده پرستار
کارشناس ارشد روان شناسی بالینی خانواده
دانشگاه علم و فرهنگ

Hoda Goodarzi
MA. in Family Clinical Psychology,
University of Science and Culture

هدی گودرزی
کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی خانواده
دانشگاه علم و فرهنگ

چکیده

هدف این پژوهش تعیین نقش تعدیل کننده ظرفیت تأملی مادر در رابطه بین خلق و خوی کودک و مشکلات برونی سازی کودکان بود. طرح پژوهش از نوع همبستگی و جامعه آماری مادران کودکان ۶ تا ۸ ساله شهرستان ساوه در ایران بود. ۲۰۰ نفر از این مادران با روش نمونه برداری در دسترس انتخاب شدند و پرسشنامه ظرفیت تأملی والدین (لویتن، مایز، نیجسنز و فوناگی، ۲۰۱۷)، فهرست رفتاری کودک (آشنباخ و رسکورلا، ۲۰۰۱) و سیاهه منش و خلق و خوی کودکان (کنستانتینو، کلونینجر، کلارک، هاشمی و پریزیک، ۲۰۰۲) را تکمیل کردند. برای تحلیل داده ها از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی استفاده شد. نتایج نشان داد بین پیش ذهنی سازی و مشکلات برونی سازی کودکان رابطه مثبت و متغیرهای اجتناب از آسیب، نوجویی، وابستگی به پاداش با مشکلات برونی سازی رابطه مستقیم دارد. همچنین نتایج نشان داد زیرمقیاس علاقه و کنجکاوی در حالات ذهنی در رابطه بین نوجویی و مشکلات برونی سازی نقش تعدیل کننده دارد. بر این اساس می توان گفت با افزایش ظرفیت تأملی مادران می توان از بروز مشکلات در اوایل کودکی به ویژه در کودکان دارای خلق و خوی دشوار پیشگیری کرد.

واژه های کلیدی: خلق و خو، ذهنی سازی، ظرفیت تأملی مادر، مشکلات برونی سازی

Abstract

This study aimed to investigate the moderating role of maternal reflective functioning in relationship between child temperament and externalizing problems. The Method of research was correlation. The statistical population included mothers of 6-8-year-old children in Saveh city in Iran. The research sample encompassed 200 mothers who were selected by convenient sampling. The participants completed the Parental Reflective Functioning Questionnaire (Luyten, Mayes, Nijssens & Fonagy, 2017), Child Behavior Checklist (Achenbach & Rescorla, 2001), Preschool Temperament and Character Inventory (Constantino et al, 2002). The data analyzed using Pearson correlation coefficient and hierarchical regression. The findings of this study illuminate positive relationship between pre-mentalizing mode and externalizing problems in children. Furthermore, there was a positive relationship between harm avoidance, novelty seeking, and reward dependence with externalizing problems. moderated the relationship between novelty seeking and externalizing problems. Accordingly, it can be claimed that by increasing the reflective functioning capacity of mothers, it is possible to prevent the occurrence of behavioral problems in early childhood, especially in children with difficult temperament.

Keywords: temperament, mentalization, reflective functioning, externalizing problems

received: 07 October 2023

accepted: 26 June 2024

دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۶

*Contact information: sananeh_behzadpoor@yahoo.com

این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی خانواده است.

مقدمه

در سال‌های اخیر به مسائل و مشکلات رفتاری کودکان به‌عنوان یکی از موضوعات عمده روان‌پزشکی و روان‌شناسی توجه شده است، زیرا کودکان بخش عمده‌ای از جمعیت هر جامعه را تشکیل می‌دهند (گیمپل و هالند، ۲۰۰۲). یکی از مشکلات شایع رفتاری بین کودکان، مشکلات برونی‌سازی^۱ است (آشنباخ و رسکورا، ۲۰۰۱). مشکلات رفتاری برونی‌سازی شامل فزون‌کنشی و سطح بالایی از پرخاشگری، ستیزجویی و نافرمانی به سمت محیط بیرونی تعریف می‌شود (آشنباخ، ۱۹۸۳). از جمله اختلال‌های زیرمجموعه مشکلات برونی‌سازی می‌توان به اختلال سلوک^۲، اختلال نارسایی توجه/فزون‌کنشی^۳ و اختلال نافرمانی مقابله‌ای^۴ اشاره کرد (سادوک، سادوک و لوین، ۲۰۰۷). رفتارهای برونی‌سازی به سمت بیرون از کودک جهت دارند و صدمات ناشی از این رفتارها اغلب متوجه دیگران است تا خود فرد؛ رفتارهایی مانند: نافرمانی، بدخلقی، درگیری‌های فیزیکی و پرخاشگری‌های کلامی و غیر کلامی و ... (جنسون، الیمپا، فیرلی و کلارک، ۲۰۰۴). به‌نظر می‌رسد یکی از عوامل تأثیرگذار بر ابتلای کودک به مشکلات برونی‌سازی، خلق‌وخوی^۵ کودک است (جوزف و دیگران، ۲۰۲۳؛ هاندلند، کریستیانسن، لاو، هاگانسون و اوی، ۲۰۱۹). خلق‌وخو، ویژگی ثابت شخصیتی است که منحصر به فرد است و زمینه آن بر اساس تعاریفی از فعالیت، واکنش‌پذیری، احساسی بودن و اجتماعی بودن مشخص می‌شود (شینر و دیگران، ۲۰۱۲)، در طول زمان پایداری نسبی دارد، اما ممکن است به‌وسیله ژنتیک، عوامل دارویی، جنسیت، تجارب اجتماعی و رشد و بلوغ تغییر یابد (دراف و دیگران، ۲۰۱۱). پژوهش‌ها نشان می‌دهد خلق‌وخو در ایجاد و گسترش مشکلات برونی‌سازی نقش دارد (کینگدون، ۲۰۱۶). از نظر ابولیزی و دیگران (۲۰۱۷) خلق‌وخوی بی‌ثبات کودک با مقیاس بالایی از مشکلات هیجانی و رفتاری در سنین حدود پنج‌ونیم سالگی مرتبط است.

نتایج پژوهش فوربز، رای، کامبریز و مکماهون (۲۰۱۷) نیز حاکی از آن است ویژگی‌های خلقی و خلق‌وخوی متفاوت می‌توانند روند گسترش مشکلات رفتاری هیجانی مانند اختلال سلوک، نارسایی توجه/فزون‌کنشی، اضطراب و افسردگی را پیش‌بینی کنند. به‌طور کلی فوربز و دیگران (۲۰۱۷) خلق‌وخو را به‌عنوان مهمترین عامل خطر شناخته شده در مسیر گسترش مشکلات رفتاری و هیجانی می‌دانند. خلق‌وخوی دشوار کودک می‌تواند منجر به کاهش مشارکت والدین در فعالیتهای کودک شود و به‌نوبه خود به گسترش رفتارهای بیرونی از سوی کودک کمک کند (شاینر و دیگران، ۲۰۱۲).

اغلب در پژوهش‌های مشکلات برونی‌سازی، عوامل بین‌فردی مانند نقش والدین نیز به‌عنوان یک عامل مهم و تأثیرگذار مطرح شده است (سیدموسوی و نوری مقدم، ۲۰۱۶؛ سیمو و جورجیو، ۲۰۱۷). در خانواده که سازنده و زیربنای شخصیت و رفتارهای بعدی کودک است، مادر وقت بیش‌تری را با فرزند خود می‌گذراند که این فرایند باعث شکل‌گیری رابطه دلبستگی بین آن‌ها می‌شود (مینز، سنتیفاتی، فرنیهو و ویشبرن، ۲۰۱۳).

در راستای اهمیت تعامل مادر و کودک و تعیین او به‌عنوان مراقب اولیه یا اولین کسی که کودک با او ارتباط برقرار می‌کند، فوناگی، استیل، موران و هیجیت (۱۹۹۱) با الهام از نظریه دلبستگی، اصطلاح ظرفیت تأملی^۶ یا توانایی افراد در ذهنی‌سازی حالت‌های ذهن خود و دیگران را به‌منظور سازماندهی خود و درک بهتر رفتار خود و دیگران معرفی کرده‌اند. ظرفیت تأملی والدینی، به‌ویژه در سال‌های اولیه زندگی کودک از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا کودکان به‌دلیل محدودیت در ظرفیت شناختی و کلامی، برای رفع نیازهای خود به والدین یا مراقبان خود وابسته‌اند و مراقبان باید توانایی تشخیص درست نیازها، حالات و احساسات کودک خود را داشته باشند (فوناگی و دیگران، ۱۹۹۱). پژوهشگران دریافته‌اند ظرفیت تأملی

1 - externalized problems

2 - conduct disorder

3 - attention deficit/hyperactivity disorder

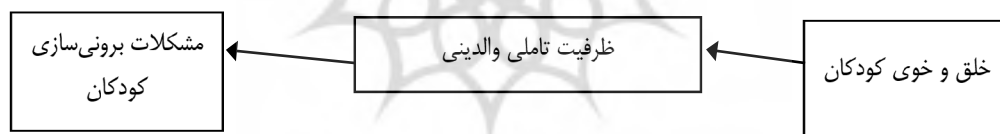
4 - oppositional defiant disorder

5 - temperament

6 - reflective functioning

مقابله‌ای این کودکان می‌شود. هم‌چنین دانسمور، بوکر، اولندیک و گرین (۲۰۱۶) با بررسی ۸۹ والد و فرزند به این نتیجه رسیدند که بهبود یا افزایش هدایت هیجانی در بهبود مشکلات رفتاری کودکان دارای خلق منفی یا رفتارهای نافرمانی مقابله‌ای و برانگیخته مؤثر است.

بی‌تردید، پرداختن به مشکلات برونی‌سازی کودکان به‌دلیل آثار منفی آن بر تحول فردی و اجتماعی کودکان بسیار حائز اهمیت است (آشنباخ، ایوانوا، رسکورلا، ترنر و آلزوف، ۲۰۱۶). در نتیجه بررسی متغیرهای تعدیل‌گر در این زمینه می‌تواند کمک شایانی در جهت پیشگیری و درمان این مشکلات در کودکان باشد. به‌نظر می‌رسد نقش متغیرهای تعدیل‌گر از جمله متغیرهای مربوط به والدین و بلاخص مفهوم ظرفیت تأملی والدینی کمتر بررسی شده است. بر همین اساس هدف این پژوهش تعیین نقش تعدیل‌کننده ظرفیت تأملی مادر در رابطه بین خلق‌وخوی کودک و مشکلات برونی‌سازی اوست. بدین منظور مدل مفهومی پژوهش تدوین شد (شکل ۱).



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

نمونه موردنظر از بین مدارس ابتدایی دخترانه و پسرانه شهرستان ساوه انتخاب شدند و مادران آن‌ها ابزارهای پژوهش را تکمیل کردند. ملاکهای ورود داشتن سواد خواندن و نوشتن و عدم وجود بیماری یا مشکل روانی و جسمانی حاد یا مزمن مادر و فرزند به گزارش مادر و ملاکهای خروج عدم پاسخگویی به بیش از ۱۰ درصد پرسش‌ها بود. ۱۰۰ نفر از فرزندان مادران شرکت‌کننده در پژوهش دختر و ۱۰۰ نفر پسر بودند. ۵ نفر از مادران دارای تحصیلات زیردیپلم (۳٪)، ۵۶ نفر دارای تحصیلات دیپلم (۲۸٪)، ۲۰ نفر دارای تحصیلات فوق‌دیپلم (۹٪)، ۹۳ نفر دارای تحصیلات کارشناسی (۴۶٪)، ۲۲ نفر دارای

ضعیف مادر منجر به مشکلات رفتاری مانند مشکلات توجه، پرخاشگری، انزوای اجتماعی، اضطراب و اختلال در تعامل مادر-کودک می‌شود (استورمن، گوبل، بیندت و مورا، ۲۰۲۲؛ اسمالینگ، هایجبرگتز، ون‌درهیدن، ون‌گوزن و سوآب، ۲۰۱۶؛ طالبیان شریف، امین‌یزدی و بردبار، ۲۰۲۳). علاوه بر این پژوهش‌ها نشان می‌دهد رابطه والد-کودک که ظرفیت تأملی بخش مهمی از آن است اثر خلق‌وخو بر بروز مشکلات روانی کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای نمونه نتایج پژوهش هین، چیه، رایین و فوکس (۲۰۰۸) نشان داده که خلق‌وخوی منفی کودک تا سن چهار سالگی تأثیر زیادی در میزان رفتارهای بازداری و کناره‌گیری اجتماعی کودک دارد اما پایداری آن‌ها تا سن هفت سالگی وابسته به واکنش‌های منفی و مثبت مادر به این رفتارهاست. نتیجه پژوهش وبر-میلن (۲۰۱۵) نیز نشان داده است پاسخ‌های حمایت‌گرانه پدران، منجر به کاهش رفتارهای مقابله‌ای کودکان دارای خلق‌وخوی منفی و پرخاشگرانه و رفتارها غیرحمایت‌گرانه‌تر موجب افزایش رفتارهای

روش

پژوهش حاضر توصیفی و از نوع پژوهش‌های همبستگی و جامعه آماری مادران دارای فرزند ۶-۱۲ سال ساکن شهرستان ساوه در سال ۱۴۰۱ بود. با روش نمونه‌برداری در دسترس، ۲۰۰ نفر از مادران انتخاب شدند. حجم نمونه با توجه به فرمول محاسبه حجم نمونه گرین (۱۹۹۱) بر اساس تعداد متغیرهای پیش‌بین (۴) زیرمقیاس مربوط به متغیر خلق‌وخوی کودکان: اجتناب از آسیب^۱، نوجویی^۲، وابستگی به پاداش^۳ و پافشاری^۴، با فرض امکان ریزش در نمونه و افزایش توان آماری، تعیین شد.

تحصیلات کارشناسی ارشد (۱۱٪) و ۴ نفر دارای تحصیلات دکتری (۲٪) بودند.

پرسشنامه ظرفیت تأملی والدین^۱ (لویتن،

مایز، نیجسنز و فوناگی، ۲۰۱۷). این پرسشنامه دارای ۱۸ ماده است و هر ماده در مقیاس لیکرتی ۷ درجه‌ای از کاملاً مخالف (نمره ۱) تا کاملاً موافق (نمره ۷) رتبه‌بندی می‌شود. این پرسشنامه سه زیرمقیاس دارد: حالت پیش‌ذهنی‌سازی^۲ شامل ماده‌هایی است که برای ارزیابی حالت پیش‌ذهنی‌سازی طراحی شده و اغلب مشخصه والدینی است که در ظرفیت تأملی والدینی خود دچار اختلال شدید هستند. زیرمقیاس قطعیت در حالت‌های ذهنی^۳ که ناتوانی در تشخیص اینکه حالت‌های ذهنی واضح و مشخص نیستند را ارزیابی می‌کند. زیرمقیاس سووم به‌منظور ارزیابی علاقه و کنجکاوی^۴ یک والد در مورد حالت‌های ذهنی فرزندش، طراحی شده است. هر زیرمقیاس، ۶ ماده را به خود اختصاص می‌دهد. در مطالعه لویتن و دیگران (۲۰۱۷)، این پرسشنامه از همسانی درونی خوبی برخوردار بود و آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس حالت پیش‌ذهنی‌سازی، ۰/۷۰، برای قطعیت در مورد حالت‌های ذهنی، ۰/۷۵ و برای علاقه و کنجکاوی در حالت‌های ذهنی، ۰/۸۲ به‌دست آمده است. بر اساس مطالعه موسوی و بهرامی‌احسان (۲۰۲۰) بر روی این پرسشنامه، ویژگی‌های روان‌سنجی این ابزار بررسی شده و همسانی درونی آن با روش آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس حالت پیش‌ذهنی‌سازی، ۰/۶۸، برای قطعیت در مورد حالت‌های ذهنی، ۰/۷۲ و برای علاقه و کنجکاوی در حالات ذهنی، ۰/۶۸ به‌دست آمده است. در این پژوهش روایی سازه این پرسشنامه نیز از طریق تحلیل عاملی اکتشافی و با شیوه مولفه اصلی و چرخش واریماکس بررسی شد و نشان داد شواهد اولیه همگرا با نتایج حاصل از پرسشنامه اصلی وجود دارد و این ابزار توانایی سنجش ظرفیت تأملی والدینی را

دارد. ضرایب آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر نیز برای حالت پیش‌ذهنی‌سازی ۰/۸۰، برای قطعیت در تشخیص حالت‌های ذهنی ۰/۷۹ و برای علاقه و کنجکاوی در مورد حالت‌های ذهنی ۰/۷۸ به‌دست آمد.

فهرست رفتاری کودک^۵ - نسخه ۶ تا ۱۸

سال (آشنباخ و رسکورلا، ۲۰۰۱). این فهرست شامل ۱۱۳ ماده است و هر ماده در یک مقیاس ۳ درجه‌ای از صفر «درست نیست» تا ۲ «کاملاً یا غالباً درست است» رتبه‌بندی می‌شود. این فهرست در برگیرنده ۸ زیرمقیاس گوشه‌گیری/افسردگی^۶، شکایت بدنی^۷، اضطراب/افسردگی^۸، مشکلات اجتماعی^۹، مشکلات تفکر^{۱۰}، مشکلات توجه^{۱۱}، رفتارهای قانون‌شکنی^{۱۲} و رفتارهای پرخاشگرانه^{۱۳} است. از میان ۸ زیرمقیاس، سه زیرمقیاس گوشه‌گیری/افسردگی، شکایت بدنی، اضطراب/افسردگی به عنوان مشکلات درونی‌سازی و دو زیرمقیاس رفتارهای قانون‌شکنی و پرخاشگرانه به‌عنوان مشکلات برونی‌سازی در نظر گرفته می‌شود. در بررسی اعتبار بازآزمایی فهرست با فاصله ۸ روز، همبستگی بالایی از ۰/۸۰ تا ۰/۹۰ برای زیرمقیاس‌ها و ۰/۹۰ برای مشکلات کلی به‌دست آمد (آشنباخ و رسکورلا، ۲۰۰۱). در ایران در پژوهش مینایی (۲۰۰۶)، ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس درونی‌سازی ۰/۸۶ و برای مقیاس برونی‌سازی ۰/۸۸ و برای مشکلات کلی ۰/۸۳ گزارش شده است. در نسخه ۶ تا ۱۸ سال، ضرایب کلی اعتبار فرم‌های فهرست رفتاری کودک با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۷ و با استفاده از اعتبار بازآزمایی ۰/۹۴ گزارش شده است. روایی محتوایی و روایی ملاکی (با استفاده از مصاحبه روان‌پزشکی با کودک و نیز همبستگی با سیاهه علائم مرضی کودکان^{۱۴}) و روایی سازه (روابط درونی مقیاس‌ها و تمایزگذاری گروهی) این فرم‌ها مطلوب گزارش شده است (آشنباخ و رسکورلا، ۲۰۰۱). در این پژوهش صرفاً از زیرمقیاس مشکلات برونی‌سازی این فهرست استفاده

1 - Parental Reflective Functioning Questionnaire (PRFQ)

2 - pre-mentalizing mode

3 - certainty about mental states

4 - interest and curiosity

5 - Child Behavior Checklist (CBCL)

6 - withdrawn/depressed

7 - somatic complaints

8 - anxious/depressed

9 - social problems

10 - thought problems

11 - attention problems

12 - rule-breaking behavior

13 - aggressive behavior

14 - Child Symptom Inventory

شده است. ضریب آلفای کرونباخ برای این زیرمقیاس در پژوهش حاضر ۰/۸۷ به دست آمد.

سیاهه منش و خلق و خوی

کودکان (کنستانتینو، کلونینجر، کلارک، هاشمی و پرزبک، ۲۰۰۲). این سیاهه برای ارزیابی عوامل هفتگانه شخصیتی در سیاهه خلق و خوی و منش کلونینجر^۲ ساخته شده است. همه مآدها در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً نادرست (نمره ۱) تا کاملاً درست (نمره ۵) نمره‌گذاری می‌شوند. این سیاهه ۷۴ مآدهای از ۷ عامل در دو بخش منش و خلق و خوی تشکیل شده است. زیرمقیاس‌های همکاری^۳ (۱۶ مآده)، خودهدایت‌گری^۴ (۱۰ مآده) و خودفراروی^۵ (۸ مآده) مربوط به منش و زیرمقیاس‌های اجتناب از آسیب (۱۰ مآده)، نوجویی (۹ مآده)، وابستگی به پاداش (۱۰ مآده) و پافشاری (۱۱ مآده) مربوط به خلق و خوی است. این پرسشنامه توسط علی‌اکبری دهکردی و دیگران (۲۰۱۲) ترجمه و اعتباریابی شده است و ضرایب اعتبار بازآزمایی (دوهفته‌ای) و آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۹ و ۰/۸۲ به دست آمد. برای محاسبه روایی از شاخص‌های روایی همگرا و روایی سازه استفاده شد؛ نتایج تحلیل عاملی نشان داده است ۷ مولفه سیاهه بیش از ۵۹/۱۹ درصد از

واریانس کل را تبیین می‌کند. روایی همگرای این سیاهه با محاسبه ضریب همبستگی زیرمقیاس‌ها با یکدیگر و با کل سیاهه تأیید شده است که این ضرایب بین ۰/۶۲ و ۰/۷۱ متغیر و معنادار بود ($P < ۰/۰۱$). در این پژوهش از زیرمقیاس‌های خلق و خوی استفاده شد و ضرایب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌های اجتناب از آسیب، نوجویی، وابستگی به پاداش و پافشاری به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۸۹، ۰/۹۰ و ۰/۸۵ به دست آمد.

برای اجرای پژوهش ابتدا کد اخلاق از کمیته اخلاق پژوهشکده رویان دریافت شد. سپس به چندین مدرسه دخترانه و پسرانه در سراسر شهرستان ساوه مراجعه شد و بعد از توضیح در مورد هدف پژوهش و توضیحات مربوط به تکمیل کردن پرسشنامه‌ها به مدیران مراکز، از ایشان خواسته شد در صورت امکان همراه با توضیحات لازم پرسشنامه‌ها را به والدین تحویل دهند و در غیر این صورت بین دانش آموزان توزیع کنند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی و رگرسیون سلسله مراتبی استفاده شد.

یافته‌ها

آماره‌های توصیفی و همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱

میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱. اجتناب از آسیب	۳۷/۲۴	۴/۹۲	-						
۲. پافشاری	۳۱/۹۷	۴/۱۲	۰/۰۰۴	-					
۳. نوجویی	۲۰/۲۷	۴/۶۱	۰/۴۰**	-۰/۰۶	-				
۴. وابستگی به پاداش	۲۵/۱۳	۳/۱۲	۰/۲۶**	-۰/۰۳	۰/۳۹**	-			
۵. پیش‌ذهنی‌سازی	۸/۳۹	۴/۲۳	۰/۱۱	-۰/۰۴	۰/۰۸	۰/۱۵*	-		
۶. علاقه و کنجکاوی در حالات ذهنی	۳۱/۶۵	۴/۰۲	-۰/۰۳	۰/۱۴*	-۰/۰۲۲	۰/۰۲	۰/۰۵	-	
۷. قطعیت در تشخیص حالات ذهنی	۲۸/۶۸	۴/۶۱	۰/۰۱	۰/۱۰	۰/۰۱	۰/۰۸	۰/۰۹	۰/۱۴**	-
۸. مشکلات برونی‌سازی	۷/۱۹	۴/۳۲	۰/۲۵**	-۰/۰۵	۰/۵۰**	۰/۲۹**	۰/۲۹**	۰/۰۷۵	-۰/۰۴۴

* $P < ۰/۰۵$ ** $P < ۰/۰۱$

1 - Preschool Temperament and Character Inventory
2 - Cloninger's Temperament and Character Inventory
3 - cooperativeness

4 - self- directed
5 - self-transcendence

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد رابطه بین اجتناب از آسیب، نوجویی و وابستگی به پاداش با مشکلات برونی‌سازی مثبت معنادار است اما بین پافشاری و مشکلات برونی‌سازی رابطه معنادار مشاهده نشد. همچنین بین پیش‌ذهنی‌سازی با مشکلات برونی‌سازی رابطه مثبت معنادار وجود داشت اما بین متغیر علاقه و کنجکاوی در حالات ذهنی و قطعیت در تشخیص حالات ذهنی با مشکلات برونی‌سازی رابطه معنادار مشاهده نشد.

پیش از استفاده از تحلیل رگرسیون، پیش‌فرض‌های رگرسیون، مانند هم‌خطی چندگانه به کمک آماره تحمل و تورم واریانس و چولگی و کشیدگی داده‌ها بررسی شد. قدر مطلق چولگی برای همه متغیرهای پژوهش در محدوده ۰/۰۳ تا ۰/۸۹ و قدر مطلق کشیدگی برای متغیرهای پژوهش در محدوده ۰/۰۱ تا ۰/۶۲ بود. از آنجایی که تمام این مقادیر کمتر از قدر مطلق ۲ است، می‌توان نتیجه گرفت که داده‌ها از توزیع نرمال برخوردارند. میزان عامل تورم واریانس برای متغیرهای اجتناب از آسیب، پافشاری، نوجویی، وابستگی به پاداش، پیش‌ذهنی‌سازی، علاقه

و کنجکاوی در حالات ذهنی و قطعیت در تشخیص حالات ذهنی به ترتیب ۱/۰۳۵، ۱/۰۳۲۷، ۱/۰۲۱۴، ۱/۰۳۸، ۱/۰۴ و ۱/۰۴ و آماره تحمل برای متغیرهای مذکور به ترتیب ۰/۸۲۳، ۰/۹۹۶، ۰/۷۵۴، ۰/۸۲۴، ۰/۹۳۶، ۰/۹۶۱، ۰/۹۶۱ بود. با توجه به اینکه آماره تحمل متغیرهایی که در نقش متغیر مستقل و تعدیل‌گرند بالاتر از ۰/۱ و میزان عامل تحمل واریانس کمتر از ۱۰ است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مسئله هم‌خطی داده‌ها مشکلی ایجاد نمی‌کند.

برای بررسی نقش تعدیل‌کننده مؤلفه‌های ظرفیت ذهنی در رابطه بین خلق‌وخو و مشکلات برونی‌سازی از رگرسیون سلسله مراتبی استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد زیرمقیاس علاقه و کنجکاوی در حالات ذهنی در رابطه بین نوجویی و مشکلات برونی‌سازی نقش تعدیل‌کنندگی دارد (جدول ۲)، اما تحلیل‌های دیگر نشان داد سایر مؤلفه‌های ظرفیت تأملی مادر (پیش‌ذهنی‌سازی، علاقه و کنجکاوی در حالات ذهنی و قطعیت در تشخیص حالات ذهنی) در ارتباط بین انواع خلق‌وخو و مشکلات برونی‌سازی کودکان نقش تعدیل‌کنندگی ندارد.

جدول ۲

نتایج تحلیل رگرسیون علاقه و کنجکاوی در حالات ذهنی در رابطه بین نوجویی و مشکلات برونی‌سازی

متغیرها	R ²	F	Beta	t	P
نوجویی			۰/۲۵۴	۸/۱۴۱	۰/۰۰۱
علاقه و کنجکاوی در حالات ذهنی			۰/۰۹۹	۱/۶۴۵	۰/۱۰۲
تعامل نوجویی و علاقه و کنجکاوی در حالات ذهنی	۰/۲۷۶	۸/۷۲۱	۰/۱۷۹	۲/۹۵۳	۰/۰۰۴

همانطور که جدول ۲ آمده است، در گام اول رگرسیون سلسله مراتبی متغیر مستقل (نوجویی) وارد معادله شد. در این حالت مدل معنادار بود. در گام دوم نوجویی به همراه متغیر علاقه و کنجکاوی در حالات ذهنی وارد تحلیل شد. در این حالت تغییرات مدل معنادار نبود و در نهایت در گام سوم تعامل نوجویی و متغیر علاقه و کنجکاوی در حالات ذهنی به مدل افزوده شد که در این حالت تغییرات مدل معنادار شد ($P < ۰/۰۰۴$, $\beta = ۰/۱۷۹$) و این امر به این معناست که

متغیر علاقه و کنجکاوی در حالات ذهنی در رابطه بین نوجویی و مشکلات برونی‌سازی نقش متغیر تعدیل‌گر را دارد. با توجه به ماتریس همبستگی در جدول ۱ بین متغیر نوجویی و علاقه و کنجکاوی در حالات ذهنی رابطه‌ای هرچند غیرمعنادار اما معکوس محاسبه شد ($r = -۰/۰۲۲$). با توجه به یافته‌ها می‌توان گفت که نوجویی به تنهایی با متغیر برونی‌سازی رابطه مثبت دارد اما زمانی که با علاقه و کنجکاوی در حالات ذهنی همراه می‌شود این متغیر اثر نوجویی را بر رفتارهای

برونی‌سازی کاهش می‌دهد و بدین ترتیب متغیر علاقه و کنجکاوی در حالات ذهنی بین نوجویی و رفتارهای برونی‌سازی نقش تعدیل‌کنندگی را ایفا می‌کند.

بحث

این پژوهش با هدف تعیین رابطه بین خلق‌وخو و مشکلات برونی‌سازی در کودکان با نقش تعدیل‌گر ظرفیت تأملی والدینی انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد بین حالت پیش‌ذهنی‌سازی که در واقع نشان‌دهنده وجود اختلال در ظرفیت تأملی والدین و عدم توانایی آنان جهت ورود به دنیای ذهنی کودک است و مشکلات برونی‌سازی کودکان رابطه مثبت معنادار وجود دارد که با مطالعات پیشین هم مطابقت دارد (استورمن و دیگران، ۲۰۲۲؛ اسمالینگ و دیگران، ۲۰۱۶؛ طالبیان شریف و دیگران، ۲۰۲۳). در واقع والدینی که توانایی ذهنی‌سازی ندارند، هنگام مواجهه با پریشانی کودک خود به راحتی دچار آشفتگی هیجانی می‌شوند زیرا قادر نیستند میان احساسات خود و کودکشان تمایز قائل شوند و حتی ممکن است اعمالی منفی از آن‌ها سر بزند که سبب شود آن‌ها نقش خصمانه و مداخله‌جویانه یا نقش بیمناک و کناره‌گیر را در ارتباط با کودکشان اتخاذ کنند. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که مشکلات برونی‌سازی بیشتر از اینکه بر روی خود کودک تأثیر بگذارند بر رابطه والد-کودک تأثیر می‌گذارند و در واقع یک رابطه دو سویه ایجاد می‌شود (جنسون و دیگران، ۲۰۰۴). والدینی که دارای ظرفیت تأملی پایینی هستند، درک علت رفتارهای برونی‌سازی کودکانشان برایشان دشوار است، در نتیجه توانایی مدیریت موقعیت تعارض‌آمیز را ندارند و با واکنش‌های نامناسب و غیرتأملانه باعث ایجاد تنش بیشتری در موقعیت می‌شوند. بدین سبب کودکان نیز نحوه تنظیم هیجان‌های شدید خود را در این مواقع نمی‌آموزند و ظرفیت تأملی پایین مادر نیز به‌طور مستقیم در حفظ و تداوم رفتارهای برونی‌سازی کودکان نقش مؤثری دارد (هاندلند و دیگران، ۲۰۱۹).

همچنین نتایج این پژوهش نشان داد بین مشکلات برونی‌سازی و زیرمقیاس‌های اجتناب از

آسیب، نوجویی و وابستگی به پاداش رابطه مستقیم وجود دارد. اجتناب از آسیب شامل خصوصیات مانده نگرانی، ترس از عدم قطعیت، شرم و خجالت در مواجهه با غریبه‌ها و فرسودگی است. شاینر و دیگران (۲۰۱۲) نیز در پژوهش خود نشان دادند اجتناب زیاد احتمال ابتلا به اضطراب اجتماعی و افسردگی را افزایش می‌دهد، در صورتی که سطوح بالای خودمهارگری پیامدهای مثبتی چون مشکلات رفتاری کمتر و شایستگی اجتماعی بیشتر را در پی دارد؛ در نتیجه کودکانی که اجتناب از آسیب بالاتری دارند احتمالاً در مواجهه با موقعیت‌های آسیب‌زا برآشفته شده و مشکلات رفتاری بیشتری نشان خواهند داد. نوجویی بالا در افراد نیز باعث تمایل آن‌ها به تغییرات خلقی سریع، رفتارهای هیجانی، کاوشگری و کنجکاوی می‌شود و این افراد اشتیاق زیادی به تغییرات نشان می‌دهند، حوصله‌شان سر می‌رود و برانگیخته و بی‌نظم می‌شوند. بنابراین، نتایج این پژوهش نیز نشان‌دهنده وجود رابطه مستقیم میان نوجویی بالا و بروز مشکلات برونی‌سازی است (کلونینجر و سوراکیک، ۱۹۹۷). عامل وابستگی به پاداش شامل احساساتی بودن، گشودگی و پذیرش، روابط گرم، دلبستگی و وابستگی است. افرادی که در این بُعد نمره بالا کسب کنند، افرادی نازکدل، گرم، حساس، فداکار و اجتماعی هستند (کلونینجر و سوراکیک، ۱۹۹۷)؛ این افراد نیاز به حمایت اجتماعی و تأیید کلامی اجتماعی دارند. پس احتمالاً کودکانی که از نظر خلق‌وخو مشخصه وابستگی به پاداش دارند، در صورتی که برای کارهای خود تأیید و پاداش دریافت نکنند، به رفتارهای برون‌ریزانه روی می‌آورند. نتایج حاصل از تحلیل‌های آماری، وجود رابطه مستقیم میان زیرمقیاس وابستگی به پاداش و مشکلات برونی‌سازی را نشان داد.

به علاوه، تحلیل‌ها نیز نشان داد که زیرمقیاس علاقه و کنجکاوی در حالات ذهنی در رابطه بین نوجویی و مشکلات برونی‌سازی نقش تعدیل‌کنندگی دارد. در واقع هنگامی که مادر بر اساس فرض‌های نادرست در مورد حالات ذهنی فرزندش عمل می‌کند و حالات هیجانی فردی و جداگانه خود و فرزندش را

تشخیص نمی‌دهد، موجب نظم‌جویی هیجانی ضعیف، تنیدگی بالا و مشکلات رفتاری در کودکان می‌شود (اسمالینگ و دیگران، ۲۰۱۶). مطالعات پیشین نیز نقش ظرفیت تأملی را در بروز مشکلات رفتاری کودکان تأیید کرده‌اند (مادسن و دیگران، ۲۰۲۳). مادرانی که بیشتر بر خود متمرکزند و ظرفیت تأملی پایینی دارند، کودکانی با مشکلات برونی‌سازی و احساسات منفی بیشتر دارند و برعکس ظرفیت تأملی بالای مادر و درک بهتر او از رابطه والد-کودک، پرخاشگری فیزیکی کمتری را در کودک نشان می‌دهد که این امر نشان‌دهنده نقش ظرفیت تأملی مادر در رابطه با خلق‌وخو و مشکلات برونی‌سازی کودکان است. مادرانی که ظرفیت تأملی پایینی دارند معمولاً صبور نیستند و تمایل دارند که فرزندشان را کودکی دشوار بنامند و این پیش‌فرض منفی مادر، خلق و خوی دشوار کودک را پیش‌بینی می‌کند (اسمالینگ و دیگران، ۲۰۱۶). کودکانی که از نظر خلق‌وخو، مشخصه نوجویی دارند، افرادی برانگیخته و بی‌نظم هستند. این کودکان رفتارهای هیجانی زیادی از خود نشان می‌دهند و به شدت مشتاق تغییرات هستند. این کودکان نسبت به هم‌سن و سالان خود زودتر عصبانی می‌شوند و بعد از عصبانیت آرامش خود را به راحتی نمی‌توانند به دست بیاورند. این کودکان به راحتی حواسشان پرت می‌شود و عموماً افراد بدقلق هستند (کلونینجر و دیگران، ۱۹۹۳). بنابراین احتمال بروز مشکلات برونی‌سازی در این افراد بیشتر است. مادرانی که ظرفیت تأملی بالایی دارند می‌توانند رفتار کودک خود را درک کنند و بیشتر به نیازهای فرزند خود توجه می‌کنند و درصدد رفع آن‌ها برمی‌آیند و هنگام بروز مشکلات با کودک خود همدلی می‌کنند و سبب شکل‌گیری نظم‌جویی هیجانی در کودک می‌شوند (اسمالینگ و دیگران، ۲۰۱۶)، زیرا این مادران به این درک رسیده‌اند که شدت بروز هیجانات در کودکان متفاوت است و این هیجانات در افراد مختلف باعث بروز احساسات متفاوتی می‌شود (کنزلسون، ۲۰۱۴). مادرانی که سطح بالاتری از ظرفیت تأملی را دارند، اغلب الگوهای دلبستگی ایمن را با فرزندان خود

نشان می‌دهند (اسلید، ۲۰۰۵). بدین صورت می‌توانند اثر نوجویی را در کودک کاهش بدهند و متقابلاً بروز مشکلات برونی‌سازی نیز کاهش می‌یابد.

هرچند که این پژوهش اطلاعات سودمند و قابل توجهی ارائه داده است اما همانند دیگر پژوهش‌ها وجود محدودیت‌های آن انکارناپذیر است. استفاده از ابزارهای خودگزارش‌دهی در این پژوهش می‌تواند سبب ایجاد خطا شود، به این صورت که فرد ممکن است نسبت به پاسخ برخی سوالات سوگیری داشته باشد. در این پژوهش نقش رابطه مادران و کودکان در نظر گرفته شده است، در حالی که نقش حمایتی پدران ممکن است در نتایج تغییر ایجاد کند. نمونه این پژوهش، مادران کودکان شهرستان ساوه هستند و به شیوه در دسترس انتخاب شده‌اند، لذا در تعمیم یافته‌ها به جوامع دیگر باید احتیاط لازم به عمل آید. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی از ابزارهای دیگری مانند ابزارهای مشاهده‌ای و مصاحبه، برای سنجش دقیق‌تر استفاده شود. همچنین پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده نقش پدران نیز به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر بررسی شود و پژوهش‌های مشابه در شهرهای مختلف و فرهنگ‌های مختلف تکرار شود.

منابع

- Abulizi, X., Pryor, L., Michel, G., Melchior, M., van Der Waerden, J., & EDEN Mother-Child Cohort Study Group. (2017). Temperament in infancy and behavioral and emotional problems at age 5.5: The EDEN mother-child cohort. *PLoS one*, 12(2), 1-17
- Achenbach, T. M. (1983). *Manual for the Child Behavior Checklist and Child Behavior Profile*. Burlington, VT: University of Vermont
- Achenbach, T. M., & Rescorla, L. A. (2001). *Manual for the ASEBA Preschool Forms and Profiles*. Burlington, VT: Research center for children, youth & families of University of Vermont.
- Achenbach, T. M., Ivanova, M. Y., Rescorla, L. A., Turner, L. V., & Althoff, R. R. (2016). Internalizing/externalizing problems: Review and recommendations for clinical and research applications. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*, 55(8), 647-656.

- U., & Qie, M. G. (2019). High degree of uncertain reflective functioning in mothers with substance use disorder. *Addictive Behaviors Reports*, 10, 100-111
- Hane, A. A., Cheah, C., Rubin, K. H., & Fox, N. A. (2008). The role of maternal behavior in the relation between shyness and social reticence in early childhood and social withdrawal in middle childhood. *Social Development*, 17(4), 795-811.
- Jenson, W. R., Olympia, D., Farley, M., & Clark, E. (2004). Positive psychology and externalizing students in a sea of negativity. *Psychology in the Schools*, 41(1), 67-79.
- Joseph, H. M., Lorenzo, N. E., Fisher, N., Novick, D. R., Gibson, C., Rothenberger, S. D., & Chronis-Tuscano, A. (2023). Research review: A systematic review and meta-analysis of infant and toddler temperament as predictors of childhood attention-deficit/hyperactivity disorder. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 64(5), 715-735.
- Katznelson, H. (2014). Reflective functioning: A review. *Clinical Psychology Review*, 34(2), 107-117.
- Kingdon, D. (2016). *Linking temperament and parenting dimensions to the co-occurrence of internalizing and externalizing disorders in childhood and adolescence*. PhD Dissertation, Concordia University.
- Luyten, P., Mayes, L. C., Nijssens, L., & Fonagy, P. (2017). The parental reflective functioning questionnaire: Development and preliminary validation. *PloS one*, 12(5), 178-190.
- Madsen, E. B., Væver, M. S., Egmoose, I., Krogh, M. T., Haase, T. W., de Moor, M. H., & Karstoft, K. I. (2023). Parental reflective functioning in first-time parents and associations with infant socio emotional development. *Journal of Child and Family Studies*, 32(7), 1-13.
- Meins, E., Centifanti, L. C. M., Fernyhough, C., & Fishburn, S. (2013). Maternal mind-mindedness and children's behavioral difficulties: Mitigating the impact of low socioeconomic status. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 41, 543-553.
- Minaee, A. (2006). Adaptation and standardization of child behavior checklist, youth self-report, and teacher's report forms. *Journal of Exceptional Children*, 6(1), 529-558. [In Persian].
- Mousawi, W., & Bahrami Ehsan, H. (2020). A preliminary
- Ali Akbari Dehkordi, M., Shaghaghi, F., Kako Juibari, A. A., Zare, M., Shayghian, Z., Amir Abadi, F., Khaleghi Delavar, F., & Shahyari, H. (2012). An evaluation of psychometric properties of Cloninger's Preschool Temperament and Character Inventory (PS-TCI). *Quarterly of Educational Measurement*, 2(8), 39-64. [In Persian].
- Cloninger, C. R., & Svrakic, D. M. (1997). Integrative psychobiological approach to psychiatric assessment and treatment. *Psychiatry*, 60(2), 120-141.
- Constantino, J. N., Cloninger, C. R., Clarke, A. R., Hashemi, B., & Przybeck, T. (2002). Application of the seven-factor model of personality to early childhood. *Psychiatry Research*, 109(3), 229-243.
- Derauf, C., LaGasse, L., Smith, L., Newman, E., Shah, R., Arria, A., & Lester, B. (2011). Infant temperament and high risk environment relate to behavior problems and language in toddlers. *Journal of Developmental and Behavioral Pediatrics*, 32(2), 125-135.
- Dunsmore, J. C., Booker, J. A., Ollendick, T. H., & Greene, R. W. (2016). Emotion socialization in the context of risk and psychopathology: Maternal emotion coaching predicts better treatment outcomes for emotionally labile children with oppositional defiant disorder. *Social Development*, 25(1), 8-26.
- Fonagy, P., Steele, M., Steele, H., Moran, G. S., & Higgitt, A. C. (1991). The capacity for understanding mental states: The reflective self in parent and child and its significance for security of attachment. *Infant Mental Health Journal*, 12(3), 201-218.
- Forbes, M. K., Rapee, R. M., Camberis, A. L., & McMahon, C. A. (2017). Unique associations between childhood temperament characteristics and subsequent psychopathology symptom trajectories from childhood to early adolescence. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 45, 1221-1233.
- Gimpel, G. A., & Holland, M. L. (2002). *Emotional and behavioral problem of young children: Effective intervention in the preschool and kindergarten years*. New York: Guildford.
- Green, S. B. (1991). How many subjects does it take to do a regression analysis. *Multivariate behavioral research*, 26(3), 499-510.
- Handeland, T. B., Kristiansen, V. R., Lau, B., Håkansson,

- Maternal reflective functioning as a multidimensional construct: Differential associations with children's temperament and externalizing behavior. *Infant Behavior and Development*, 44, 263-274.
- Stuhrmann, L. Y., Göbel, A., Bindt, C., & Mudra, S. (2022). Parental reflective functioning and its association with parenting behaviors in infancy and early childhood: A systematic review. *Frontiers in Psychology*, 13, 76-89.
- Symeou, M., & Georgiou, S. (2017). Externalizing and internalizing behaviours in adolescence, and the importance of parental behavioural and psychological control practices. *Journal of Adolescence*, 60, 104-113.
- Talebian Sharif, F., Aminyazdi, S. A., & Bordbar, M. (2023). The relationship between dimensions of mother's attachment and mother's reflective functioning with preschool aggression: The mediating role of child abuse potential. *Journal of Developmental Psychology: Iranian Psychologist*, 19(76), 387-400. [In Persian].
- Weber-Milne, J. S. K. (2015). *The influence of mother and father emotion socialization of angry temperament on children's oppositional defiant behaviors*. PhD Dissertation, University of California, Davis.
- nary study of psychometric properties of the parental reflective functioning questionnaire (PRFQ) on an Iranian sample. *Journal of Applied Psychological Research*, 11(3), 55-68. [In Persian].
- Sadock, B. J., Sadock, V. A., & Levin, Z. E. (2007). *Kaplan and Sadock's study guide and self-examination review in psychiatry* (Eds.). New York: Lippincott Williams & Wilkins.
- Seyed Mousavi, P., & Nouri Moghadam, S. (2016). Attachment and developmental outcomes: The role of mental representations in predicting internalizing and externalizing problems in preschool children. *Journal of Developmental Psychology: Iranian Psychologist*, 12(47), 263-251. [In Persian].
- Shiner, R. L., Buss, K. A., McClowry, S. G., Putnam, S. P., Saudino, K. J., & Zentner, M. (2012). What is temperament now? Assessing progress in temperament research on the Twenty-Fifth Anniversary of Goldsmith. *Child Development Perspectives*, 6(4), 436-444.
- Slade, A. (2005). Parental reflective functioning: An introduction. *Attachment & Human Development*, 7(3), 269-281.
- Smaling, H. J. A., Huijbregts, S. C. J., Van der Heijden, K. B., Van Goozen, S. H. M., & Swaab, H. (2016).